

فقر فلسفه یا دموکراسی

○ محمد زارع
کارشناس ارشد فلسفه



○ دموکراسی یا حقیقت
○ علی میرسپاسی
○ طرح نو
○ ۱۳۸۱، ۲۰۶ صفحه، ۳۳۰۰ نسخه

فلسوفانه، دموکراسی در جایی استقرار نمی‌یابد.
(۳) روشنفکران معروف ایرانی از جمله جواد طباطبایی، عبدالکریم سروش، رضا داوری و آرامش دوستدار در دو دهه‌ی اخیر با دید و رویکرد فلسفی به معضلات و گره‌های اجتماعی و مسائل سیاسی ایران نگریده‌اند و از رهیافت‌های جامعه‌شناسانه غفلت کرده‌اند. بنابراین راه‌حل‌های آنان اغلب کلی، انتزاعی و تمامیت‌طلبانه بوده و لذا تاکنون گرهی از کار فرو بسته‌ی دموکراسی در ایران نگشوده است.
(۴) با رهیافت جامعه‌شناختی می‌توان و باید کوشید تا دموکراسی را از طریق تأسیس نهادها و ایجاد رفتارها و اعمال مدنی مدرن تثبیت و پایدار نمود.
الف) درباره‌ی مدعای نخست نویسنده‌ی کتاب، گفتنی است که اگر نظام و ساختار اجتماعی و سیاسی قرون وسطی بر مبنای جهان‌نگری و نظریات و دیدگاه‌های مابعدالطبیعی آن عصر، یعنی سلسله مراتب کیهانی

در کتاب «دموکراسی یا حقیقت» نوشته‌ی علی میرسپاسی مدعاهای متعددی مطرح و از آنها دفاع و طرفداری می‌شود که از آن میان مدعاهای ذیل قابل تأمل‌اند:
(۱) پیوند مبانی فلسفی و بنیان‌های معرفتی جدید (مدرن) با مقوله‌ی دموکراسی، پیوندی علی و ضروری نیست. هرگز نمی‌توان گفت که چون اصول و بنیادهای فلسفی و معرفتی مدرن در جامعه‌ای وجود و حضور ندارد، پس آن جامعه نمی‌تواند به تأسیس دموکراسی دست یابد. به عبارت دیگر، دموکراسی به طور مستقل و جدا از دیگر مقولات مدرن می‌تواند در جامعه‌ای تحقق یابد.
(۲) زندگی انسان به دو حوزه‌ی خصوصی و عمومی تقسیم می‌گردد. به عقیده‌ی ریچارد دورتی، متفکر معاصر آمریکایی، و به تبع او نویسنده‌ی کتاب فلسفه مانند اخلاق و دین به حوزه‌ی خصوصی زندگی انسان تعلق دارد اما دموکراسی به حوزه‌ی عمومی؛ لذا با فلسفه و خردورزی و نظریه‌پردازی